

## پیشران‌های تحولات سیاست خارجی چین در منطقه آمریکای لاتین و کارائیب

رویا نژادزنده<sup>۱</sup>، مصطفی الماسی<sup>۲</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۷/۲۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۳/۲۱

**چکیده:** در نظام بین‌الملل کنونی ظهور و گسترش قدرت چین به اصلی مهم و غیرقابل انکار تبدیل شده است. از این روست که این قدرت منطقه‌ای پیشین، اکنون در گستره فرامنطقه‌ای و جهانی اقدام به عمل نموده و خود را به عنوان یک قدرت بین‌المللی مطرح کرده است. امریکای لاتین یکی از این مناطق است که چین از چند دهه گذشته حضور رو به رشدی در آن داشته است. این پژوهش درصدد یافتن دلایل حضور چین در این منطقه و پیامدهای ناشی از آن در چارچوب نظریه "رابرت کی‌گن" است. به این ترتیب، نگارندگان به دنبال راستی‌آزمایی این فرضیه هستند که "چین در راستای بیشینه‌سازی قدرت و نیز متوازن‌سازی ژئوپلیتیکی در برابر ایالات متحده و پاسخی به حضور آن در جنوب شرق آسیا"، امریکای لاتین را منطقه‌ای مهم در سیاست خارجی خود تعریف نموده است. بر این اساس سه راهبرد اقتصادی، سیاسی و امنیتی-نظامی ذیل این مهم که "قدرت‌های جهانی و منطقه‌ای در پی کسب جایگاه و نفوذ هستند"، بررسی می‌شود. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد هنگامی که یک قدرت در نظام بین‌الملل مطرح می‌شود به دنبال بیشینه‌سازی قدرت و نفوذ سیاسی و اقتصادی خود از طریق منابع مختلف و ظرفیت‌های داخلی و بین‌المللی خود خواهد رفت. حضور چین در امریکای لاتین نیز حول این مهم دیده می‌شود، از این رو، چین با سیاستی چندمحوره و کاربست قدرت هوشمند، توازن‌سازی ژئوپلیتیکی، تامین نیازهای اقتصادی و دست‌یابی به جایگاه یک قدرت جهانی، حضور خود در امریکای لاتین را ضروری می‌داند.

**واژگان کلیدی:** چین، امریکای لاتین، ژئوپلیتیک، ایالات متحده، نظام بین‌الملل

<sup>۱</sup> دانشجوی دکترای دانشگاه شهید بهشتی، گروه علوم سیاسی و روابط بین الملل، دانشکده اقتصاد و علوم

سیاسی. (نویسنده مسئول) r\_zandie@yahoo.com

<sup>۲</sup> استادیار علوم سیاسی دانشگاه پیام نور.

## مقدمه

تغییرات و تحولات گوناگون رخ داده از فردای جنگ جهانی دوم به ویژه فرایندهای جهانی شدن، سبب‌ساز بازتعریف و خلق مفاهیم جدیدی در عرصه نظام بین‌الملل شده است. با پایان جنگ سرد و فروپاشی سیستم دو قطبی، نظام جهانی با رهبری امریکا به عنوان تنها ابرقدرت جهان به سیستم تک قطبی تبدیل شد. اما از آغاز قرن ۲۱ جهان در حال حرکت به سمت یک نظام چندقطبی بود که در آن تعدادی از قدرت‌های به سرعت در حال ظهور مانند چین، روسیه، برزیل، هند، البته بیشتر با ماهیت منطقه‌ای تا جهانی بروز کردند. با ظهور قدرت‌های جدید و کاهش نسبی قدرت امریکا، تهدیدات و منافع مشترک و نیاز به همکاری مطرح شده است. این در حالی است که کشورها در برخورد با این مسائل به یکدیگر لزوماً نه به عنوان دشمن بلکه به عنوان رقیب نگاه می‌کنند و به دنبال آن هستند که ابزارهایی برای همکاری پیدا کنند.

یکی از کشورهایی که در این فضای جدید سعی در بیشینه‌سازی قدرت و موازنه‌سازی در برابر رقبا به ویژه ایالات متحده داشته، جمهوری خلق چین است. با روی کار آمدن نسل جدیدی از رهبران در چین و تحولات رخ داده در عرصه بین‌الملل، این کشور سعی نموده خود را در فضای جدید ادغام و همسو با آن به اهداف خود دست یابد. درحالی که در دوران مائو تأکید بر گسترش ایدئولوژی و مبارزه با استعمار و امپریالیسم بود، اما پس از وی متأثر از نیاز این کشور برای ایجاد فضای مساعد بین‌المللی و تضمین انتقال سرمایه و فناوری برای توسعه اقتصادی و اصلاحات اجتماعی، پکن جهت‌گیری سیاست‌خارجی خود را بر مبنای روابط با غرب و قدرت‌های بزرگ تعریف نمود. تأثیرپذیری سیاست‌خارجی چین از خط‌مشی "درهای باز" و حضور در اقتصاد جهانی و بازار آزاد سبب شد تا تدوین راهبردهای توسعه‌ای پکن در سطح بین‌المللی همچون: دیپلماسی منطقه‌گرایی، فرمانطقه‌ای و بینامنطقه‌ای، امنیت انرژی، تنوع بخشی به منابع و ظهور مسالمت آمیز به بنیان گسترش روابط با دیگر مناطق کمک کند. این رویکرد به ویژه در دوره "هوجیتائو" برجسته شد و توجه چین بیش از گذشته به توسعه روابط با کشورهای در حال توسعه و جهان سومی به ویژه در آمریکای لاتین جلب شد.

با روی کار آمدن شی‌جین‌پینگ در سال ۲۰۱۳ سیاست‌خارجی چین تغییرات مهمی را تجربه کرد. شی‌جین‌پینگ در اولین دوره ریاست جمهوری خود، دستور سیاست‌خارجی دنگ شیائوپینگ

مبنی بر «پنهان کردن ظرفیت‌ها تا زمان مناسب»<sup>۱</sup> در مسائل سیاست‌خارجی را کنار گذاشت و مرحله جدیدی از دیپلماسی را آغاز کرد که در آن همه اقدامات تابع هدف سیاست‌خارجی استراتژیک تغییرناپذیر چین برای بازیابی موقعیت ابرقدرت خود باشد و در تلاش است اصول و ارزش‌های خود را با شدت بیشتری در سراسر جهان مطرح کند. (Baviera, 2016: 59-61) مطرح کردن شعار «دوران جدید»<sup>۲</sup> توسط او نیز نشان از این تغییر در سیاست‌های داخلی و خارجی چین دارد. تحت رهبری او، سیاست‌خارجی چین، «دیپلماسی قدرت‌های بزرگ با ویژگی‌های چینی»<sup>۳</sup> نامیده شد، که تأیید می‌کند هدف استراتژیک چین برای بازیابی موقعیت ابرقدرتی خود بدون تغییر باقی‌مانده است. بر همین اساس نه تنها سیاست متنوع‌تری را در قبال مناطق و کشورهای مختلف دنبال می‌کند، بلکه از ابزارهای گوناگونی مانند گفتگوهای سیاسی، ارتباطات مردم با مردم و ابزارهای اقتصادی با اهداف سیاسی برای تأثیرگذاری بر شرکای خود استفاده می‌کند. برای مثال طی چند سال گذشته، چین دومین سند سیاستی خود در رابطه با آفریقا (۲۰۱۵)، اولین سند در مورد کشورهای عربی (۲۰۱۶)، دومین سند امریکای لاتین و دریای کارائیب (۲۰۱۶) و اولین سند خود در رابطه با قطب شمال (۲۰۱۸) را منتشر کرده است. (Szcudlik, 2018: 1-5; Rosales, 2022)

پژوهش پیش‌رو، با کاربست نظریه "رابرت کی‌گن" که دال مرکزی آن حول "بیشینه‌سازی قدرت و نفوذ سیاسی و اقتصادی دولت‌ها از طریق منابع مختلف و ظرفیت‌های داخلی و بین‌المللی خود در نظام بین‌الملل" سامان یافته است. در گام نخست، با بررسی ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های منطقه امریکای لاتین که عاملی مهم برای حضور قدرت‌های فرامنطقه‌ای و بزرگ در آن است؛ و پس از آن با مذاقه سیاست‌خارجی چین نسبت به این منطقه، پیشران‌ها و راهبردهای توسعه‌ای چین در امریکای لاتین و برآیندهای آن مورد واکاوی قرار گرفته است. در نهایت، یافته‌های برآمده از این مهم نشان می‌دهد، چین می‌کوشد بر قدرت خود در سطح ملی و بین‌المللی بیفزاید تا ضمن بیشینه‌سازی قدرت خود، نوعی موازنه در روابط با ایالات متحده ایجاد نماید. به همین دلیل حضور در امریکای لاتین علاوه بر تأمین نیازهای اقتصادی-تجاری چین، نوعی موازنه در برابر حضور ایالات متحده در جنوب شرق آسیا تعریف می‌شود.

1 - "Hiding capacities while bidding time"

2 - New Era

3 - Great Power Diplomacy with Chinese Characteristics

## ۲. چارچوب نظری

نظام بین‌الملل معاصر، شاهد در هم شکستن نظمی است که قدرت‌های فاتح پس از جنگ جهانی دوم شالوده آن را بنا نهاده بودند. از نظر کی‌گن، با فروپاشی شوروی جهان نه یک دگرگونی، بلکه صرفاً توقفی کوتاه در رقابت بی‌پایان ملت‌ها را شاهد بود. در طول دهه ۱۹۹۰، آن رقابت دوباره ظهور پیدا کرد، زیرا یک به یک قدرت‌های در حال ظهور وارد میدان شدند. در این بین، چین و روسیه همواره سعی داشته‌اند نارضایتی خود را از ترتیباتی که به سرکردگی ایالات متحده در جریان بوده است به چالش بکشند. چین به ویژه از نظر اقتصادی و سپس نظامی از یک سو و روسیه از نظر نظامی و بعد از آن اقتصادی، همواره نارضایتی خود را از این نظم نشان داده‌اند. (Kagan, 2008:25-36)

به فراخور این مهم، آنگونه که "کی‌گن" بیان می‌کند، هر یک از این سه قدرت به دنبال گسترش حوزه نفوذ خود و ایجاد ائتلاف‌های اقتصادی- تجاری و امنیتی- نظامی هستند. چین، روسیه و آمریکا متناسب با شرایط، از یک سو از بازار و تجارت آزاد حمایت نموده‌اند و از دیگر سو، وجود قدرت متمرکز ملی و دولت ملی را در بطن فرآیندهای جهانی شدن، ستایش نموده‌اند. (سریع القلم، ۱۳۹۵: ۱۳۵-۱۰۱) از این رو، "رابرت کی‌گن" معتقد است که دولت‌های مهم منطقه‌ای و جهانی، علاوه بر تأکیدی که بر اقتصاد دارند، با بهره‌گیری از ابزارهای مختلف، به دنبال کسب جایگاه و گسترش حوزه نفوذ خود هستند. "کی‌گن" معتقد است نظم بین‌الملل پس از جنگ جهانی دوم با صحنه‌گردانی ایالات متحده و قدرت‌های دیگر، به حیات خود ادامه داده است که در این میان چین و روسیه بیش از دیگران، هژمونی آمریکا را به چالش کشیده‌اند. (Ikenberry, 2011: 613-615)

به این ترتیب، نوع تعاملات و روابط میان این سه قدرت، رقم زننده بسیاری از مسائل امنیتی- اقتصادی جهانی و منطقه‌ای خواهد بود. چین که سعی دارد از مواهب اقتصاد جهانی بیش از پیش بهره‌برداری کند، حوزه اقدام و امنیت ملی خود را در شرق، جنوب‌شرق آسیا، آفریقا و در نهایت امریکای لاتین که موضوع این پژوهش است، مفصل‌بندی نموده و سعی دارد ضمن حمایت از اهداف کلان روسیه، کمتر رویارویی با ایالات متحده در این مناطق داشته باشد. اما روسیه که به دنبال ایفای نقش جهانی و پرستیژی ابرقدرت گونه است، با توسل به قدرت نظامی و نه اقتصادی به دنبال موازنه‌سازی با ایالات متحده است. روسیه و چین علاوه بر تأیید خط مشی‌های همدیگر، همزمان به دنبال کاهش نقش نظامی ایالات متحده بوده و از نزاع نظامی با آن نیز دوری می‌کنند. (Cox, 2018: 321-327; Bensahel & Byman, 2004:312-314؛ سریع القلم، ۱۳۹۵: ۱۳۵-

امروزه، چین یک قدرت ژئوپلیتیکی و اقتصادی در حال رشد است. اقتصاد آن در حال رقابت برای تبدیل شدن به بزرگترین اقتصاد در جهان است و قدرت نظامی آن به طور پیوسته در حال افزایش است. نفوذ سیاسی پکن همراه با قدرت اقتصادی و نظامی اش به سرعت در حال گسترش است. اگرچه مشارکت و وابستگی فزاینده چین به اقتصاد جهانی این کشور را به یکی از "ذی‌نفعان مسئول" در سیستم اقتصادی بین‌المللی و بازیگری نسبتاً محتاط در صحنه بین‌المللی تبدیل کرده است؛ با این حال اقتصاد پررونق چین نه تنها آن را در جهان درگیر کرده است، بلکه به مردم چین و رهبران آنها اعتماد به نفس، غرور و احساس جدیدی داده که آینده متعلق به آنهاست. در واقع قدرت اقتصادی جدید آنها، احساسات قدیمی را احیا کرده که چین یک نیروی مرکزی در جهان بوده و خواهد بود. (Kagan, 2008: 25-36)

آنچه که طی دهه گذشته نمایان گشته، توسعه قدرت چین در مناطق نفوذ ایالات متحده به ویژه از بعد اقتصادی است که البته به مرور به سایر بخش‌ها و حوزه‌های دیگر تسری یافته است. از مهمترین این مناطق می‌توان به امریکای لاتین اشاره نمود. (Bliss, 2009: 45-62) امریکای لاتین به دلیل دارا بودن موقعیت ژئوپلیتیکی و استراتژیکی، به ویژه دسترسی به مسیرهای حمل و نقل دریایی تجاری، تنگه‌ها و بندرگاه‌های متعدد، تنوع زیست محیطی گسترده و به تبع آن منابع طبیعی و معدنی و سرانجام بازار مصرف گسترده، برای قدرت‌های نظام بین‌الملل دارای اهمیت ویژه‌ای است. از این رو و با در نظر داشت نظریه "کی‌گن"، می‌توان چارچوب نظری ذیل را در ارتباط با حضور چین در این منطقه ترسیم نمود:

پیشران‌های ملی: تغییر نگاه نخبگان حزبی و روی کار آمدن نسل جدیدی از رهبران چینی که به دنبال پیشینه‌سازی قدرت پکن در جهان هستند؛ که لازمه آن تأمین نیازهای داخلی به ویژه منابع انرژی و معدنی است.

پیشران‌های منطقه‌ای: تنش‌زدایی در روابط با همسایگان و تعدیل تصور تهدید از این کشور در شرق و جنوب شرق آسیا؛ پیشبرد سیاست چین واحد با عدم به رسمیت شناختن تایوان به عنوان "یک دولت" توسط سایر دولت‌ها.

پیشران‌ها فرامنطقه‌ای/بین‌المللی: مشروعیت‌سازی در ایفای نقش جهانی برای خود و نیز توازن‌سازی در برابر ایالات متحده در سازمان‌های بین‌المللی با همراهی کشورهای امریکای لاتین و

نيز پاسخي به حضور آمريکا در شرق و جنوب شرق آسيا.

نباید از یاد برد که توازن‌خواهی و بیشینه‌سازی قدرت چین در برابر ایالات متحده آنگونه که نظریه "کی‌گن" می‌گوید، چند اصل را مورد تأکید قرار می‌دهد: اول، قدرت و توانمندی‌های یک کشور ارتباطی این‌همانی با همدیگر دارند به گونه‌ای که افزایش یا کاهش توانمندی‌ها سبب‌ساز تغییرات مهمی در قدرت خواهد شد؛ دوم، قدرت دولت‌ها نسبی و در کنار قدرت دیگر دولت‌ها محاسبه می‌شود، به گونه‌ای که افول قدرت یک دولت، سبب خواهد شد قدرت دولت یا دولت‌های دیگر با منحنی صعودی روبرو شود؛ سوم، قدرت و توانایی‌های یک دولت، جایگاه آن را در نظام بین‌الملل تعیین خواهد نمود و به تبع آن نقش‌یابی و دامنه اقدامات آن دولت نیز تغییر خواهد کرد؛ در نهایت بیشینه‌سازی قدرت و توان دولت‌ها نسبت به همدیگر که باعث تغییر در تعریف نقش‌ها در نظام بین‌الملل می‌شود، نقطه آغاز تحول یا دگرگونی در نظم بین‌المللی حاکم خواهد بود.

بر این اساس، چین با توجه به نیازهای داخلی، الزامات منطقه‌ای و خط‌مشی‌های فرامنطقه‌ای/جهانی، به دنبال افزایش و بیشینه‌سازی نفوذ و قدرت سیاسی و اقتصادی خود در مناطق مختلف به ویژه امریکای لاتین بوده است. اگرچه موضع رسمی چین در مورد گسترش خود در جهان، اجتناب از رویارویی بوده است و پژوهشگران چینی معتقدند این دیدگاه عمل‌گرایانه رویکرد بسیار خاصی است که چین را از قدرت‌های غربی و اتحاد جماهیر شوروی سابق متمایز می‌کند. (Kagan, 2007) در همین رابطه شی جین‌پینگ در سال ۲۰۱۲ مفهومی تحت عنوان "مدل جدید روابط قدرت بزرگ" را بیان کرد که تلاش دارد روابط این کشور با ایالات متحده را "بدون درگیری یا تقابل" توصیف کند که بر احترام متقابل و همکاری برد-برد استوار است. اما به نظر می‌رسد درحالی که چین برای ترویج این مفهوم جدید تلاش می‌کند، ایالات متحده به دلایل مختلف تمایلی به پذیرش آن ندارد. (Baviera, 2016: 65-66)

با این حال، "کی‌گن" استدلال می‌کند که چین یک قدرت در حال ظهور غیرعادی نیست؛ بلکه یک قدرت بسیار معمولی است که الگوهای رفتاری آن را می‌توان در تکامل ایالات متحده در پایان قرن ۱۹ یافت. در آن زمان، ایالات متحده به دو دلیل از یک قدرت اقتصادی به یک قدرت سیاسی تبدیل شد. اول، رشد اقتصادی ایالات متحده که تمایل آن را برای کنترل بازارها افزایش داد. دوم،

<sup>1</sup> -New Type of Great Power Relations (NTGPR)

همراه شدن این رشد مادی با جاه‌طلبی و بلندپروازی سیاستمداران آمریکایی. به اعتقاد او قدرت‌های رو به رشد، در واقع از الگوی کلی یکسانی پیروی می‌کنند؛ رشد اقتصادی با ایجاد جاه‌طلبی نیاز به قدرت بیشتر را افزایش می‌دهد. در نتیجه، قدرت‌های درحال رشد به ناچار با قدرت‌های مستقر یا سایر رقبای نوظهور برخورد می‌کنند. (Kagan, 2007)

### ۳. امریکای لاتین؛ موقعیت‌ها و ظرفیت‌ها

منطقه آمریکای لاتین دربرگیرنده قسمت اعظم قاره آمریکا، از شمال مکزیک تا جنوب شیلی و آرژانتین با وسعتی بیش از ۲۰ میلیون کیلومتر مربع است که به بخشی از آمریکای شمالی، آمریکای مرکزی، حوزه کارائیب و آمریکای جنوبی تقسیم می‌شود و دارای ۱۵ درصد مساحت کره زمین و جمعیتی بیش از ۶۴۰ میلیون نفر با توزیع جغرافیایی در بیش از ۲۰ کشور مستقل و چندین واحد سیاسی وابسته است. این منطقه یکی از مناطق بدیع و غنی دنیاست که منابع آبی بسیار، جنگل‌های فراوان و سرزمین‌های حاصلخیزی دارد. به گونه‌ای که آمریکای لاتین را "شش کره زمین" نامیده‌اند. علاوه بر این، منابع و معادن طبیعی بسیاری در منطقه وجود دارد. از سوی دیگر، بازار نیم میلیاردی آمریکای لاتین از جذابیت بسیاری برای تمامی کشورها برخوردار است.

از نظر اقتصادی طی چند دهه گذشته، دولت‌های امریکای لاتین نقش مهمی در زنجیره تولید جهانی به ویژه با تأمین مواد خام معدنی ایفا نموده‌اند؛ این در حالی رخ می‌دهد که تا پیش از آن بدهی‌ها و بحران‌های متعدد کشورهای این منطقه اقتصاد جهانی را با تهدید روبرو ساخته بود. عضویت و بازیگری فعال دولت‌های امریکای لاتین در پیمان‌های منطقه‌ای و سازمان‌هایی همچون "نفتا" و "مرکوسور" دلیلی بر این مدعاست. نباید فراموش نمود که جهش و رشد اقتصادی در همه کشورهای این منطقه به یک اندازه رخ نداده و برخی مانند مکزیک، آرژانتین و برزیل با توجه به میزان تولید ناخالص داخلی، منابع معدنی، تورم، فقر، درآمد سرانه، محصولات صادراتی، نرخ جمعیت و از این دست موارد، نسبت به سایر دولت‌های همجوار پیشرفت بیشتری داشته‌اند. به هر حال، آمریکای لاتین به دلیل پتانسیل‌های مطلوب اقتصادی، ژئوپلیتیکی، منابع زیرزمینی، سیاسی و امنیتی دارای موقعیت ویژه‌ای است و این مهم آن را تبدیل به حوزه‌ای استراتژیک و پراهمیت برای قدرت‌های بزرگ کرده است (Lewis, 2022: 204-232) که باعث شده آنها اهداف خود را از راه‌های مختلف در این منطقه دنبال کنند.

#### ۴. چرخش در سياست خارجي چين؛ به سوي صلح و توسعه

از زمان تاسيس جمهوري خلق چين (۱۹۴۹)، محور سياست خارجي مائو بر حمايت و گسترش جهان‌بيني کمونيستي و جنبش‌های رهايي‌بخش تعريف شده بود؛ اما پس از او و از اواخر دهه ۱۹۷۰ به بعد، رفتار سياست خارجي اين کشور بر مبنای توسعه و تحول اقتصادي، تأمين و حفظ ثبات و صلح جهاني و عملگرایی بنا شد. هسته مرکزي سياست‌ها در دوران "دنگ شيائوپینگ"<sup>۱</sup> بر تحول اقتصادي، "جيانگ زمين"<sup>۲</sup> بر روابط با قدرت‌های بزرگ، "هو جيتائو"<sup>۳</sup> بر همزيستي مسالمت‌آمیز با همسايگان منطقه‌ای و "شي جين‌پینگ"<sup>۴</sup> بر اتحاد ملي در راستای ايفای نقش جهاني با ابزارهای اقتصادي و فرهنگي مفصل‌بندی شده است. چرخش اصلي در سياست خارجي چين، اما از زمان "دنگ شيائوپینگ" بود که سياست خارجي چين دچار تحول اساسي گرديد. با روی کار آمدن دنگ، اقتصاد چين به دليل ضعف و نابسامانی نیازمند اصلاحات فوري بود که در اين زمينه وی با شعار "ثروتمندی افتخار است"، محور برنامه خود را بر ملي‌گرایی چيني، جهان‌گرایی و به تبع آن سياست درهای باز اقتصادي پایه‌گذاري نمود. (شريعتي نيا، ۱۳۸۸: ۱۹۶-۱۸۷) از آن زمان به بعد از غلظت ايدئولوژی مائو کاسته شد و روابط چين با قدرت‌های بزرگ وارد مرحله جديدي شد.

با روی کار آمدن نسل جديد رهبران پس از مائو، پکن در روابط خارجي خود از ملاحظات ايدئولوژيک فاصله گرفت و عادي‌سازي روابط با ساير کشورها را آغاز نمود. در اين ميان نگاه صرف به امنيت که آن را در بعد نظامي تعريف می‌نمود، فراگيرتر و حول توسعه و رشد اقتصادي مفهوم‌بندی شد. "توسعه و صلح" به عنوان محور سياست خارجي چين در نظر گرفته شد و حول آن ساير راهبردها به گونه‌ای که محيط بين‌المللي مطلوبی جهت رشد و توسعه اقتصادي پکن ايجاد نمايد، تدوين گرديد. (Lam, 2006:157-211) نسل جديد رهبران چين و به ویژه هو جيتائو بر اين اعتقاد هستند که کسب و افزايش ثروت ذيل ادغام در فرايندهای جهاني و بازار آزاد، بر قدرت پکن می‌افزايد و به فراخور آن تنگناهای سياسي ملي و بين‌المللي مدیریت خواهند شد. (Bliss, 2009:45-62) اين تفکر سبب‌ساز آن شده است که چين با تعريف رشد و توسعه

<sup>1</sup> - Deng Xiaoping

<sup>2</sup> - Jiang Zemin

<sup>3</sup> - Hu Jintao

<sup>4</sup> - Xi Jinping



اقتصادی به عنوان اصلی‌ترین راهبرد خود که از یک سو نیازهای داخلی را برطرف می‌سازد و از دیگر سو بیشینه‌سازی قدرتش را به ارمغان می‌آورد، به دنبال جذب سرمایه خارجی، سرمایه‌گذاری در فرای مرزها و در نهایت تأمین جریان مستمر منابع معدنی و خام مورد نیاز، برآید.

این تغییرات در سیاست خارجی چین از زمان "شی جین‌پینگ" با گذار به یک استراتژی فعال‌تر و قاطع‌تر مشخص شده است. رهبری فعلی چین از طریق اعلام بسیاری از ابتکارات استراتژیک خارجی جدید، چشم‌اندازی از نظم جهانی و منطقه‌ای مطلوب خود را به جامعه بین‌المللی ارائه کرده است. از زمان به قدرت رسیدن "شی"، خط سیر چین به عنوان یک قدرت نوظهور تحت عنوان الگوی "رویای چینی"<sup>۱</sup> تکامل یافته است. (Baviera, 2016: 58-61) در واقع سیاست خارجی چین به جای پنهان کردن ظرفیت‌های خود، نمایش چین قوی و قدرتمند به جهان را آغاز کرده و آماده است تا جایگاه خود را در میان تأثیرگذارترین بازیگران جهان به دست آورد.

## ۵. پیشران‌ها و راهبردهای توسعه‌ای سیاست خارجی چین در امریکای لاتین

### ۵-۱. پیشران‌های سیاسی حضور چین در امریکای لاتین

از حیث تاریخی روابط کنونی چین با منطقه امریکای لاتین و کارائیب از زمان روی کار آمدن حزب کمونیستی چین مراحل مختلف و پیشران‌های سیاسی گوناگونی را تجربه نموده است که در ادامه به آنها اشاره می‌شود.

### ۵-۱-۱. دوره مائو: نظریه سه جهان<sup>۲</sup>

در دوره مائو، «نظریه سه جهان» محور همکاری‌های جنوب-جنوب بود. طبق این نظریه، «جهان سوم» کل جهان در حال توسعه از جمله آسیا، آفریقا و امریکای لاتین را دربرمیگرفت و اعضای جهان سوم از جمله چین برای مبارزه با «امپریالیسم» و «هژمونیسیم» جهان اول همکاری می‌کنند. در این زمان چین و کشورهای امریکای لاتین با درک موقعیت پیرامونی خود در نظام بین‌المللی و برای جلوگیری از انزوا در چنین موقعیتی از یکدیگر حمایت کرده و در سراسر دوران جنگ سرد روابط دیپلماتیک برقرار کردند. با این وجود، تعاملات سیاسی و اقتصادی چین و امریکای لاتین نسبتاً محدود به برخی مبادلات سیاسی و فرهنگی بود. (Chen, 2021: 119-122)

<sup>۱</sup> - Chinese Dream

<sup>۲</sup> - The Three Worlds Theory

### ۲-۱-۵. دوره جيانگ زمين: استراتژی بيرون رفتن<sup>۱</sup>

در دوران پس از اصلاحات اقتصادی در چین، اولین و مهمترین نقطه عطف روابط کنونی آنها با منطقه امریکای لاتین در دوره جيانگ زمين بود. سفر جيانگ زمين در سال ۲۰۰۱ به منطقه، شروعی تازه برای روابط بين منطقه بود و موجی از بازديد‌های بعدی مقامات ارشد راهبران تجاری را ایجاد کرد. تحکيم اصلاحات اقتصادی آغاز شده از زمان دنگ شياوپینگ، گسترش سیستم بازار و باز بودن اقتصاد که دستاورد آن پیوستن چین به سازمان تجارت جهانی بود یکی از مهمترین ویژگی‌های دوران جيانگ زمين بود که منجر به روند "بزرگ تجارت" و گسترش نرخ ارز چین شد. Leiva (Van de Maele, 2017:36-38) این رویکرد، موقعیتی را برای چین در حال رشد ایجاد کرد که برای تأمین موادخام و منابع انرژی مورد نیاز و همچنین اصلاح چهره خود در نظام بین‌المللی استراتژی "نگاه به بیرون" را در اواخر دهه ۱۹۹۰ مطرح کند. (Chen, 2021) این راهبرد به ویژه در حوزه انرژی، شرکت‌های بزرگ نفتی چین را برای خرید سهام دیگر شرکت‌های نفتی، کشف و حفاری، ساخت پالایشگاه و خطوط انتقال انرژی تشویق کرد (Leverett and Bader, 2005:192-193) در این میان شکست تجربه صنعتی شدن در امریکای لاتین نیز این فرصت را برای آن ایجاد کرد که به یک دارایی استراتژیک برای قدرت چین در حال ظهور تبدیل شود.

### ۳-۱-۵. دوره هو جیتائو: استراتژی همزیستی مسالمت‌آمیز

دومین نقطه عطف روابط چین با منطقه را می‌توان سفر هو جیتائو در سال ۲۰۰۴ به منطقه برای شرکت در نشست APEC و انعقاد اولین توافقنامه تجارت آزاد دانست. هو جیتائو به صراحت در سخنرانی‌های خود از قدرت نرم چین و دیپلماسی عمومی صحبت می‌کرد و همچنین سیاست خارجی جدیدی را با طرح مفهوم توسعه صلح‌آمیز چین<sup>۲</sup> پایه‌گذاری کرد. در همین راستا گسترش قدرت نرم چین در منطقه شامل تلاش برای افزایش تعاملات سیاسی، همکاری‌های اقتصادی و فرهنگی و حتی نظامی بود. (Leiva Van de Maele, 2017:41-42) همچنین همراه با موفقیت‌های اقتصادی در منطقه، دولت هو جیتائو ابعاد سیاسی، نظامی و فرهنگی روابط را در بر گرفت و بازديد‌های رسمی دوجانبه افزایش یافت.

دکترین "ظهور و توسعه مسالمت‌آمیز" بر این امر تاکید دارد که چین باید به دنبال محیط جهانی

<sup>1</sup> - Going out Strategy

<sup>2</sup> - China's peaceful development(rise)

مسالمت‌آمیز رشد و توسعه اقتصادی خود باشد؛ از این راه قادر خواهد بود صلح جهانی را از طریق توسعه تضمین نماید؛ از تقابل و منازعه با قدرت‌های بزرگ دوری کند و سیطره قدرت هژمون را به چالش نکشد. در بعد اقتصادی این دکترین، تأکید بر جذب سرمایه، فناوری و منابع از طریق ابزارهای مسالمت‌آمیز و نه توسعه‌طلبی یا موارد مشابه آن است. بنابراین، ظهور مسالمت‌آمیز حضور در مناطق مختلف جهان از جمله آمریکای لاتین را به منظور مشارکت مثبت و فعالانه در اقتصاد بین‌المللی تشویق می‌کند. (سازمند و ارغوانی پیرسلامی، ۱۳۹۵: ۸۹۳-۸۹۲)

پیرو این دکترین، "دیپلماسی سران"<sup>۱</sup> به عنوان یکی از راهبردهای اصلی چین در تعمیق روابط با کشورهای آمریکای لاتین در دستور کار پکن قرار گرفت که در تمامی این دیدارها، ضمن تأکید و محوریت روابط اقتصادی-تجاری، بازی با حاصل جمع مثبت (برد-برد) میان طرفین پیش گرفته شد. این اولویت و منطقی را می‌توان با توجه به اصول اساسی مدنظر چین در رابطه با آمریکای لاتین همچون: توسعه و صلح به مثابه هسته اصلی روابط؛ حفظ محیط بین‌المللی مسالمت‌آمیز؛ گفت‌وگوی اقتصادی؛ تعقیب چندجانبه‌گرایی و به کارگیری تدابیر و رویکرد اقتصادی مشاهده کرد. (ارغوانی پیرسلامی، اسماعیلی، بهزادی آقایی، ۱۳۹۴: ۱۱۶-۱۱۷؛ Teng, 2007: 93-94) این اصول، باعث گردیده که روابط گسترده و فراگیر در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی میان پکن و دولت‌های آمریکای لاتین برقرار شود.

#### ۴-۱-۵. دوره شی جین‌پینگ: استراتژی رویای چینی

از زمان به قدرت رسیدن شی جین‌پینگ، سیاست‌خارجی چین به وضوح وارد مرحله جدیدی در تعاملات جهانی خود شده است، مرحله‌ای که منعکس‌کننده مجموعه پیچیده‌ای از چالش‌های سیاسی، اقتصادی و ژئوپلیتیکی است. در طول دوران "شی"، منطقه آمریکای لاتین و دریای کارائیب، نقش مهمی در تأمین سرمایه سیاسی و فضاهای نفوذ بیشتر به نفع چین بر ایالات متحده داشته است که از جمله عوامل مهم آن، رشد پایدار اقتصاد چین به عنوان متقاضی محصولات صادراتی آمریکای لاتین، استقبال منطقه‌ای از سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی چین، مشارکت در بخش‌های تولید و خدمات، و تأمین مالی پروژه‌های زیرساختی بوده است.

<sup>1</sup> - Summit Diplomacy

بر همین مبنا می‌توان نشانه‌های تغییر و آغاز مرحله جدیدی از روابط دو منطقه را یافت. آنگونه که به نظر می‌رسد "شی" مایل به تقویت روابط با امریکای لاتین و دریای کارائیب به عنوان یک کل و فراتر از دوجانبه‌گرایی است. او همچنین گفتمان و رویکرد متفاوتی نسبت به آنچه که توسط هو و کتاب سفید سال ۲۰۰۸ ارائه شد، دارد (Leiva Van de Maele, 2017:45-50). در این رابطه می‌توان به ماهیت متفاوت اهداف او با هوجیتائو اشاره کرد که در عین تمرکز بر مسائل اقتصادی، بعد سیاسی بسیار قوی‌تر شده است و سفرهای متعددی شی جینپینگ به منطقه طی دوران ریاست جمهوری خود با اهداف خاص به منظور امضای قراردادها یا پیشبرد پروژه‌ها یا ابتکارات خاص بوده است. در همین راستا چندین توافقنامه دوجانبه با کشورهای منطقه، مشارکت استراتژیک جامع با آرژانتین، برزیل، شیلی، اکوادور، مکزیک، پرو و ونزوئلا امضا کرده است. بر اساس سند جدید منطقه (۲۰۱۶)، چین در تلاش بوده است یک استراتژی جامع برای همکاری در چندین بخش و موضوع، از جمله تبادلات سطح بالا در عرصه‌های سیاسی، قانون‌گذاری، دیپلماسی، محلی، رسانه‌ای، تجاری و نظامی در زمینه‌های کشاورزی، زیرساخت‌ها، انرژی، گمرک، امورمالی و پولشویی، گردشگری، فناوری و محیط‌زیست فراهم آورد. (Piccone, 2016;5-6; Roy, 2022; Cesarin, 2021,). در مجموع با کاوش در مورد تکامل اهداف سیاست چین نسبت به امریکای لاتین ضمن فهم تغییر و استمرار روابط، می‌توان توسعه روابط خارجی چین را به طور کلی به عنوان یک قدرت رو به رشد نظام بین‌الملل درک کرد.

#### ۵-۱-۵. راهبرد چین واحد

از انگیزه‌های اصلی چین برای روابط سیاسی و اقتصادی خود با کشورهای منطقه، پیگیری سیاست چین واحد است. برای چین، مسئله تایوان مهم و مربوط به امنیت داخلی بوده و با مشروعیت رژیم پیوند دارد (Toman, 2019:16) پذیرش سیاست چین واحد، یکی از محدود شرایط پکن برای ارائه کمک‌های اقتصادی و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کشورهای امریکای لاتین می‌باشد. در حال حاضر از ۱۴ کشور در سراسر جهان (از جمله واتیکان)، هشت کشور در منطقه، تایوان را به رسمیت می‌شناسند. پاناما، جمهوری دومینیکن و السالوادور در سال‌های ۲۰۱۷-۲۰۱۸ و نیکاراگوئه در دسامبر ۲۰۲۱ پس از ارائه مشوق‌های مالی از سوی چین، از جمله وام‌ها و سرمایه‌گذاری‌های زیربنایی، موضع خود را تغییر دادند اگرچه مناطق باقی مانده مانند هائیتی نیز با افزایش فشار روبرو هستند. (Sullivan & Lum, (2022:1; Raza & Grohs, 2022:).

## ۶-۱-۵. صدور «الگوی چینی حکمرانی»

صدور «الگوی چینی حکمرانی» را می‌توان به عنوان یکی دیگر از پیشران‌های سیاست‌خارجی چین در نظر گرفت. سیاست‌های «برد-برد» چین بر این فرض اساسی استوار است که کشورهای منطقه امریکای لاتین به تعاریف سنتی حاکمیت و عدم مداخله به همان اندازه ارزش قائل هستند. در مناطقی مانند امریکای لاتین و آفریقا، این کشور از مدل توسعه خود به عنوان جایگزین و مدل دموکراتیک غرب استفاده می‌کند و تلاش کرده مستقیماً صدور ارزش‌های دموکراتیک توسط ایالات متحده را به چالش بکشد. (Toman, 2019:21-22)

## ۵-۲. پیشران‌های اقتصادی حضور چین در امریکای لاتین

استراتژی اقتصادی چین با خرید کالاهای امریکای لاتین آغاز شد و از آن زمان تاکنون متنوع شده، به نوعی که گسترش سرمایه‌گذاری‌های استراتژیک و تأمین مالی باعث افزایش کنترل چین بر کل زنجیره‌های عرضه منطقه شده است. تعامل اقتصادی چین در منطقه امریکای لاتین در واقع پاسخ به الزامات اقتصاد پررونق چین بوده و منطقه نیز بسیاری از ویژگی‌هایی که مکمل نیازها و استراتژی پکن باشد دربردارد. امریکای لاتین مواد خام و محصولات کشاورزی فراوانی دارد. با جمعیت بیش از ۶۰۰ میلیون و اقتصاد چندتریلیونی، چشم‌انداز تجاری بلندمدتی دارد و یک بازار جذاب برای محصولات چینی و مکان مهمی برای پروژه‌های زیرساختی محسوب می‌شود. درعین حال نسبت به آفریقا و خاورمیانه از ثبات سیاسی بیشتری برخوردار است. همچنین در مقابل منطقه برای حفظ رشد، به تأمین اعتبار زیرساخت‌ها نیاز دارد که چین قادر به تأمین آن است. بر همین اساس استراتژی‌های اقتصادی چین در امریکای لاتین مجموعه‌ای از اقدامات و همکاری‌های دوجانبه و چندجانبه اقتصادی را در برمی‌گیرد که به مرور در طی زمان گسترش یافته است.

## ۱-۲-۵. روابط تجاری چین و امریکای لاتین

در عرض دوره‌ی زمانی نسبتاً کوتاهی با توجه به افزایش تقاضا و مبادلات تجاری، چین به شریک تجاری بسیار مهمی برای اکثر کشورهای امریکای لاتین تبدیل شد که نشان دهنده تغییر ساختاری عمده در تجارت بین‌الملل منطقه است. (Barcena & Rosales, 2010:17) چین در حال حاضر بزرگترین شریک تجاری برزیل، شیلی، پرو و اروگوئه و دومین شریک تجاری اکثر کشورهای منطقه است. (Sullivan & Lum, (2022:1-3) در دوره سال‌های ۲۰۰۰-۲۰۱۷، ارزش تجارت چین و امریکای لاتین با نیکاراگوئه ۱۱۵ برابر، با هندوراس ۹۱ برابر، با السالوادور ۴۵

برابر، با گواتمالا ۴۳ برابر، با بولیوی ۳۸ برابر، با اکوادور ۳۳ برابر، با برزیل ۳۲ برابر، با پرو ۲۸ برابر، با کلمبیا ۲۸ برابر، با مکزیک ۲۵ برابر، با کاستاریکا ۲۵ برابر، با شیلی ۱۹ برابر، با اروگوئه برابر ۱۶، با پاراگوئه ۱۴ برابر و با آرژانتین ۹ برابر (ص. ۳۵) شده است. (González, 2022:69)

کل تجارت چین و امریکای لاتین از تقریباً ۱۸ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۲ به نزدیک به ۴۴۹ میلیارد دلار در سال ۲۰۲۱ افزایش یافته است. اقتصاددانان پیش‌بینی می‌کنند که تا سال ۲۰۳۵ از ۷۰۰ میلیارد دلار فراتر رود. (Roby, 2020:233-244) واردات چین از امریکای لاتین در سال ۲۰۲۱ به ۲۲۱ میلیارد دلار رسید که عمدتاً از منابع طبیعی شامل سنگ معدن (۴۲٪)، سویا (۱۶٪)، سوخت معدنی و روغن (۱۰٪)، گوشت (۶٪) و مس (۵٪) تشکیل شده است. صادرات چین به این منطقه نیز در سال ۲۰۲۱ بالغ بر ۲۲۸ میلیارد دلار بود که صادرات عمده آن شامل ماشین‌آلات و تجهیزات الکتریکی (۲۱٪)، ماشین‌آلات و لوازم مکانیکی (۱۵٪) و وسایل نقلیه موتوری و قطعات (۷٪) بود. (Sullivan & Lum, 2022:1-3; Roy, Varun (2022).

پکن همچنین از طریق موافقتنامه‌های تجارت آزاد (FTA) به دنبال وسیله‌ای برای یکپارچه‌سازی اقتصاد خود با اقتصاد جهانی است. این موافقتنامه‌های تجارت آزاد می‌تواند به طور بالقوه چین را به بازارهای امریکای لاتین متصل کند. در تلاش برای حذف موانع تجارت و گسترش صادرات آنها، سه کشور شیلی، پرو و کارستاریکا موافقتنامه تجارت آزاد با چین امضا کردند و در فوریه ۲۰۲۲ مذاکراتی را با اکوادور آغاز کرده است که در مراحل پایانی است. (Statistical Bulletin, 2010:81; Koleski, 2011:7-8; González, 2022:74-78)

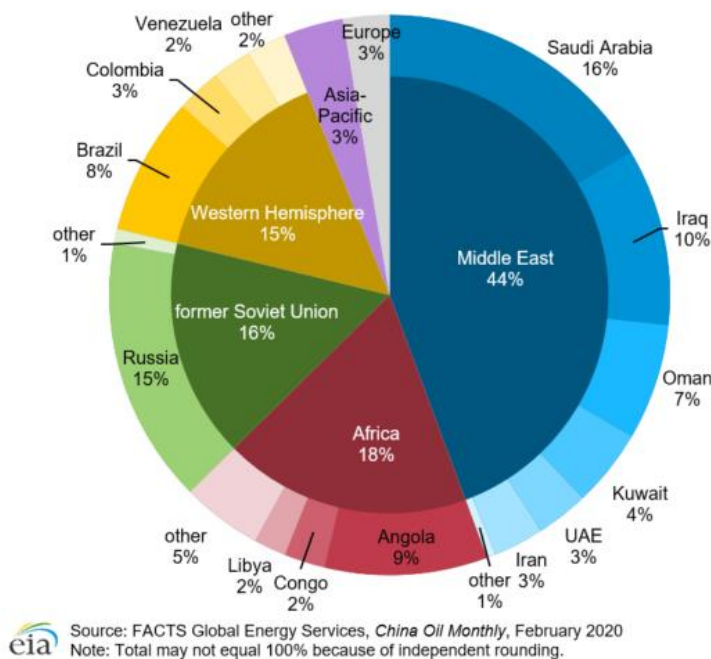
### ۳-۲-۵. انرژی

سبد صادرات منطقه به چین نسبتاً ثابت است و نزدیک به ۶۰ درصد کل صادرات آن بر مواد خام و تولیدات مبتنی بر آن متمرکز است. نیازهای روزافزون توسعه‌ای چین به همراه نقشی که در زنجیره تأمین کالای جهانی ایفا می‌نماید، سبب شده است نیاز پکن به انرژی و مواد خام در این کشور افزایش یافته است. با افزایش سهم نفت در صنعت چین، سرمایه‌گذاری‌های دولت در این حوزه و آینده مصرف انرژی در این کشور، موضوع امنیت انرژی از اهمیت زیادی برای پکن برخوردار شده است. (Wu, 2019: 17-41)

در همین رابطه ونزوئلا با داشتن قریب به ۳۰۴ میلیارد بشکه ذخایر کشف شده نفتی رتبه یک در جهان، برزیل با ۱۳ میلیارد بشکه، اکوادور با ۸٫۵ میلیارد بشکه، مکزیک ۶ میلیارد بشکه، آرژانتین

۲،۵ و کلمبیا با ۲ میلیارد بشکه ذخایر نفتی کشف شده، کشورهای مهمی در راستای امنیت و دیپلماسی انرژی پکن تعریف می‌شوند. در فلوجارت زیر میزان واردات نفت خام توسط چین از کشورهای مختلف از جمله امریکای لاتین در سال ۲۰۲۰ به نمایش درآمده است:

میزان واردات نفت خام توسط چین از کشورهای مختلف در سال ۲۰۲۰



#### ۴-۲-۵. تنوع منابع

از آنجا که چین تلاش می‌کند به یک رهبر جهانی در تولید پیشرفته تبدیل شود، دسترسی به مواد معدنی از سراسر جهان یک مؤلفه مهم سیاست‌های صنعتی آن است. امریکای لاتین برخی از بزرگترین ذخایر مس، سنگ آهن، نقره، لیتوم و نیوبوم جهان را دارد که برای تهیه قطعات الکترونیکی استفاده می‌شود. چین به عنوان بزرگترین مصرف‌کننده مس، پلاتینیوم، فولاد، قلع، روی، سنگ آهن و دومین مصرف‌کننده بزرگ آلومینیوم و سرب شناخته می‌شود. با سرمایه‌گذاری در بخش معدن امریکای لاتین تلاش دارد سهم بیشتری از ارزش زنجیره‌های تأمین مواد معدنی به دست آورد، که با مالکیت مستقیم خود معادن به اوج خود رسیده است. اگرچه تأثیر گسترش چین بر زنجیره‌های تأمین مواد معدنی در سراسر امریکای لاتین پیامدهای فراتر از وابستگی روزافزون کشورها به چین دارد و آن

را به رقیبی جدی برای ایالات متحده در حوزه فناوری‌های مهم تبدیل کرده است. (Annual Report to Congress, 2021:80-95)

در حوزه مواد غذایی نیز، چین به عنوان بزرگ‌ترین مصرف‌کننده گوشت و حبوبات، نیازمند تأمین این مواد از طریق گسترش روابط تجاری و سرمایه‌گذاری در سراسر جهان به خصوص با مناطقی است که دارای منابع غنی بوده و در این میان نقش آمریکای لاتین بسیار برجسته است. (Teng, 2007:90) به عنوان مثال، سویای برزیل و مس شیلی به ترتیب تقریباً ۶۱ درصد و ۳۲ درصد از کل واردات جهانی این کالاها را بین سال‌های ۲۰۱۶ تا ۲۰۲۰ به خود اختصاص داده است. در دوره مشابه، ۶۷ درصد از واردات چین از منطقه در سه دسته اصلی کالاهای کشاورزی (سویا و دانه‌های روغنی)، انرژی (روغن و نفت خام) و فلزات بوده است. همچنین، ۸۴ درصد از خریدهای چین از منطقه فقط از چهار کشور: برزیل (۴۸ درصد)، شیلی (۱۷ درصد)، مکزیک (۱۰ درصد) و پرو (۹ درصد) بوده است. (Annual Report to Congress, 2021:80-95)

واردات چین از منطقه آمریکای لاتین به سال ۲۰۱۹

محصولات	واردات (هزار دلار)	محصولات	واردات (هزار دلار)
کالاهای سرمایه‌ای	۹۱۸۹۷۹۳	مکانیکی و الکترونیکی	۶۲۱۶۴۸۶
کالاهای مصرفی	۳۵۰۳۳۰۰	فلزات	۱۱۷۹۹۰۵۰
کالاهای واسطه‌ای	۲۴۶۲۶۱۰	مواد معدنی	۵۲۹۶۲۳۷۸
مواد خام	۱۲۶۵۲۵۳۳۴	متفرقه	۲۳۸۶۹۱۲
حیوانات	۱۱۰۵۱۶۵۱	پلاستیک و لاستیک	۷۱۰۹۳۰
مواد شیمیایی	۱۷۴۶۶۵۲	سنگ و شیشه	۱۳۷۵۹۴
محصولات غذایی	۳۶۵۷۱۳۴	منسوجات و پوشاک	۱۳۸۶۶۲۴
کفش	۲۲۴۵۵	حمل و نقل	۱۴۷۲۵۴۴
سوخ‌ها	۳۰۷۶۶۳۰۱	محصولات کشاورزی	۳۱۳۱۱۴۶۴
پوست	۷۲۷۹۸۵	چوب	۷۴۹۷۹۹۹
جمع کل	۱۶۳۸۵۴۱۶۵		هزار دلار

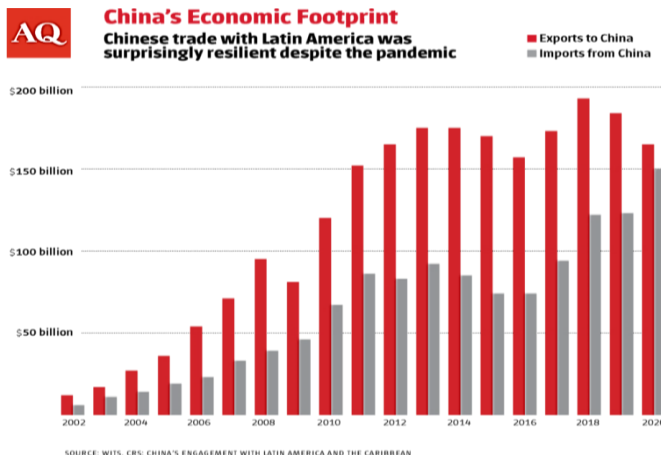


### صادرات چین به امریکای لاتین به سال ۲۰۱۹

واردات (هزار دلار)	محصولات	واردات (هزار دلار)	محصولات
۵۵۱۹۲۸۰۶	مکانیکی و الکترونیکی	۶۴۰۸۹۱۳۸	کالاهای سرمایه ای
۱۳۳۳۹۸۰۸	فلزات	۵۳۹۰۱۲۱۰	کالاهای مصرفی
۷۷۰۵۳	مواد معدنی	۳۱۹۵۷۸۵۲	کالاهای واسطه ای
۱۶۳۹۰۸۱۹	متفرقه	۸۱۷۳۵۹	مواد خام
۸۴۱۰۳۰۰	پلاستیک و لاستیک	۳۱۹۸۱۲	حیوانات
۳۲۰۵۳۰۷	سنگ و شیشه	۱۲۴۳۹۸۵۵	مواد شیمیایی
۱۵۶۹۹۹۶۴	منسوجات و پوشاک	۱۳۷۳۸۰۶	محصولات غذایی
۱۳۶۸۴۸۲۳	حمل و نقل	۳۳۲۷۹۱۶	کفش
۶۱۷۵۸۸	محصولات کشاورزی	۲۸۰۱۱۵۲	سوخت ها
۱۹۵۳۹۶۷	چوب	۲۲۱۷۸۷۴	پوست
جمع کل		۱۵۱۰۵۲۸۵۶	هزار دلار

(data.worldbank.org)

### نمودار صادرات و واردات چین و امریکای لاتین به سال ۲۰۲۰ (میلیارد دلار)



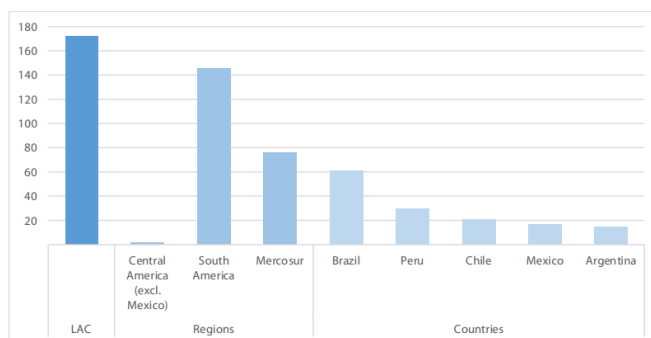
### ۵-۲-۵. سرمایه‌گذاری خارجی و پروژه‌های زیرساختی

چین به طور پیوسته و در مدت زمان نسبتاً کوتاهی به یک منبع جدید سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در جهان و به سومین کشور سرمایه‌گذار بزرگ جهان پس از اتحادیه اروپا و ایالات متحده تبدیل شده است. با این حال چین مهمترین منبع سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در منطقه نیست. در

سال ۲۰۱۹، ورودی FDI از چين تنها ۱۱,۳۶٪ از کل FDI دريافت شده توسط منطقه امريكای لاتين را تشكيل می‌داد که در سال‌های ۲۰۲۰ و ۲۰۲۱، اين اعداد به ترتيب به ۱۰,۴۴ درصد و ۶,۱۵ درصد کاهش يافت. احتمالاً اين کاهش به شيوه‌های وام‌دهی خارجي محدودتر بانک‌های چيني و همچنين به دليل تأثيرات همه‌گيري کوييد ۱۹ مربوط می‌شود. در مجموع ۲۹۳ يا ۵۶ درصد از کل معاملات OFDI چين بين سال‌های ۲۰۱۵ تا ۲۰۲۱ ثبت شده است که ارزش کل آنها بالغ بر ۸۹ ميليارد دلار است. (Raza & Grohs, 2022:5-9)

مجموع معاملات OFDI چين با مناطق و کشورهای امريكای لاتين و کارائيب به ميليارد دلار،

۲۰۲۱-۲۰۰۰

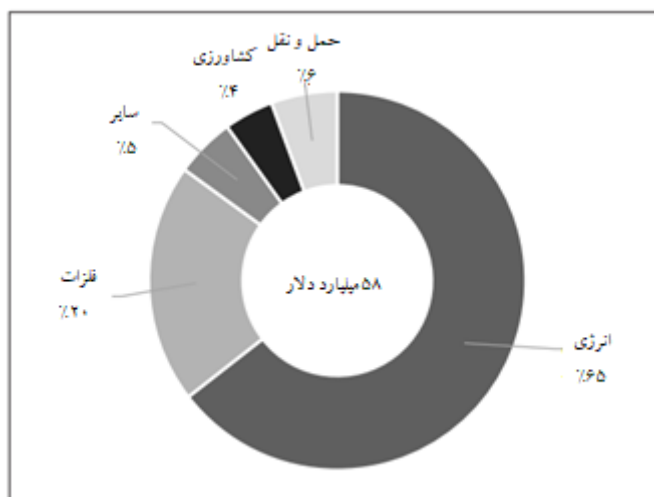


Source: Own elaboration based on OFDI Monitor.

به‌طور کلی شکل سرمايه‌گذاري چين در امريكای لاتين و کارائيب را می‌توان در چارچوب: خريد زمين، سهام و صنايع يا تأمين مالی و وام مطرح کرد. (Pirzkall, 2016) سرمايه‌گذاري در بخش‌های انرژي، فلزات، حمل‌ونقل و کشاورزي متمرکز است و برزيل، پرو و شیلی، مکزيک و آرژانتين به عنوان مقصد اصلی است. همچنين اخيرا سرمايه‌گذاري در بخش‌های مالی، املاک و مستغلات منطقه و همچنين انرژي‌ها تجديد‌پذير را آغاز کرده‌اند که در حال حاضر بخش کوچکی از کل سرمايه‌گذاري چيني را به خود اختصاص داده است (Annual Report to Congress, 2021:80-95)

مجموع سرمايه‌گذاري مستقيم خارجي چين در حوزه بخشی در امريكای لاتين و کارائيب

۲۰۲۰-۲۰۱۶



(Annual Report to Congress,2021:83)

علاوه بر این، چین به عنوان یکی از تأمین‌کنندگان اصلی منابع مالی کشورهای امریکای لاتین به ویژه از طریق بانک توسعه جدید (NDB)<sup>۱</sup> و بانک سرمایه‌گذاری و زیرساخت آسیایی (AIIB)<sup>۲</sup> است که در این زمینه نقش بسزایی داشته‌اند. وام‌های بانک‌های توسعه چین به دولت‌های امریکای لاتین یکی از استراتژی‌های چین برای کمک به شرکت‌های خود در سرمایه‌گذاری در منابع طبیعی در منطقه امریکای لاتین و ادغام در بازار منطقه است. (González, (Madelein Carolina González,2022:69) از سال ۲۰۰۵ تا ۲۰۲۱، ونزوئلا، برزیل، اکوادور و آرژانتین بیشترین میزان وام را دریافت کردند. اکثریت وام‌ها (۶۹٪) برای پروژه‌های انرژی و ۱۹ درصد برای پروژه‌های زیرساختی با تمرکز بر سدها، بنادر و راه‌آهن بوده است. چنین وام‌هایی در مقایسه با وام‌های مؤسسات مالی بزرگ بین‌المللی، معمولاً فاقد شرایط سیاستی و دستورالعمل‌های زیست‌محیطی کمتری هستند که اگرچه اخیراً برخی پروژه‌ها مانند راه‌آهن برزیل و پرو به دلیل نگرانی‌های زیست‌محیطی، مسائل مالی و مخالفت‌های سیاسی محلی متوقف مانده است. (Annual Report (to Congress,2021:80-95

<sup>1</sup> - New Development Bank

<sup>2</sup> - Asian Infrastructure Investment Bank

### ۳-۵. دیپلماسی فرامنطقه‌ای و میان منطقه‌ای

از دهه ۱۹۹۰ رهبران چینی به تدریج پذیرفتند که منطقه‌گرایی یک روند اجتناب‌ناپذیر است و همکاری منطقه‌ای یک عنصر مهم در توسعه اقتصاد جهانی و تکامل وضعیت قدرت بین‌المللی معاصر می‌باشد. صورت‌های نهادینه‌شده‌ی همکاری به عنوان ابزاری دیده شدند که چین می‌تواند منافع خود را به طور مؤثر و با مشروعیت بین‌المللی دنبال کند. (Moore, 2005:3)

از آنجا که پایه و اساس قدرتمندی و هژمون شدن در یک منطقه و نیز فرای آن از توانمندی اقتصاد یک کشور ناشی می‌شود، چین به دنبال ایجاد محیطی عاری از تنش و منازعه در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی است تا در سایه همزیستی و روابط مسالمت‌آمیز، توسعه و رشد اقتصادی خود را تضمین کند. به این ترتیب، توسعه بیش از پیش روابط دوستانه با همسایگان، عضویت و تأسیس سازمان‌ها و نهادها و پروژه‌های منطقه‌ای و بین‌المللی (آسه آن، شانگ‌های، شراکت اقتصادی جامع منطقه‌ای، نهاد مالی زیرساخت سرمایه‌گذاری آسیا که به عنوان بدیل بانک توسعه آسیایی ایجاد شده، ابتکر کمربند-جاده<sup>۱</sup>) و مشارکت با قدرت‌های فرامنطقه‌ای مانند روسیه و ایالات متحده جهت موازنه‌سازی و افزایش همکاری، در رأس سیاست‌های چین پیگیری می‌شوند. (Dellios & Ferguson, 2013:8-9, 70-77; Zhou, 2010: 1-18; Lanteigne, 2009:98)

با اتخاذ چنین خط‌مشی‌هایی، چین مانع از انزوای منطقه‌ای و جهانی خود شده و بر قدرت و نفوذ خود میان کشورهای هدف می‌افزاید؛ موازنه‌سازی در برابر ایالات متحده را به نحو مطلوبی پیش می‌برد؛ از تصور تهدیدآمیز بودن در ذهن سایر کشورهای پیرامونی و فرامنطقه‌ای کاسته و سرانجام مانع از ایجاد یک اجماع امنیتی علیه خود می‌شود. در همین راستا، چین علاوه بر روابط دوجانبه خود با کشورهای منطقه، در پی گسترش روابط خود به روشی چندجانبه نیز بوده است که منجر به افزایش روند مبادلات مختلف سیاسی، امنیتی، اقتصادی و فرهنگی شده است.

### ۳-۵. پایه‌گذاری مجمع CHINA-CELAC<sup>۲</sup>

پس از تأسیس جامعه کشورهای امریکای لاتین و کارائیب (CELAC)<sup>۳</sup> در سال ۲۰۱۱ با هدف هماهنگی، همکاری و یکپارچگی بین ۳۳ کشور امریکای لاتین و دریای کارائیب، در سال

<sup>۱</sup> - Belt and Road Initiative (BRI)

<sup>۲</sup> - China-CELAC Forum

<sup>۳</sup> - Community of Latin American and Caribbean States

۲۰۱۵ به پیشنهاد شی، «مجمع China- CELAC» با هدف ارتقای همکاری و منافع متقابل بین چین و منطقه به عنوان یک کل، در نتیجه تکمیل همکاری دوجانبه بین چین و هر یک از کشورهای عضو ایجاد شد. از سال ۲۰۱۵، شی جین‌پینگ، در سه اجلاس آن شرکت کرده است. در این نشست‌ها «طرح‌های همکاری» دربرگیرنده مسائل سیاسی، امنیتی، تجاری، سرمایه‌گذاری، مالی، زیرساخت‌ها، انرژی، منابع، صنعت، کشاورزی، علم و مبادلات مردم به مردم بوده است. کارشناسان معتقدند که مشارکت چین در CELAC و تأسیس مجمع فصل جدیدی برای تعامل استراتژیک چین در منطقه باز کرده است. (Leiva Van de Maele, 2017:46-47; Chen, Chien-Kai, 2021:112-124)

### ۲-۳-۵. ابتکار کمربند و جاده (BRI)

با مطرح کردن گسترش ابتکار کمربند و جاده (BRI) به منطقه، چین توجه فزاینده خود را به امریکای لاتین و کارائیب نشان داد. چین با توجه به ابزارهای سیاسی و اقتصادی خود در استراتژی راه ابریشم جدید درصدد است از آن برای دستیابی به جایگاه رهبری جهان بهره برد. چین از یک سو در تلاش است از طریق ابتکار عمل، اقتصاد خود را با اقتصاد جهان پیوند زند و نقش خود را به عنوان یک ذینفع مسئول در توسعه جهانی تثبیت کند و از سوی دیگر با همکاری با کشورهای مقصد وزن سیاسی خود را در مجامع بین‌المللی بالا ببرد. در سطح کلان این طرح می‌کوشد نظم اقتصادی جهان را برای دستیابی پکن به وضعیت قدرت بزرگ تغییر شکل دهد. در سطح منطقه به عنوان اهرم و نفوذ اقتصادی این کشور در جهت گسترش تعاملات و تعمیق روابط مثبت و سازنده مشاهده می‌شود. (محمدی و صالحی، ۱۴۰۱: ۱۸۰)

در اجلاس سال ۲۰۱۸ مجمع CELAC-CHINA، چین از کشورهای امریکای لاتین دعوت کرد تا در این به عنوان "بستر جدیدی برای همکاری متقابل سودمند" بین دو طرف شرکت کنند. ماهیت این طرح با ساخت جاده، راه‌آهن و تأسیسات بندری، همکاری‌های اجتماعی-اقتصادی را میان کشورهایی که در امتداد کمربند و جاده قرار دارند، ارتقا می‌دهد. تا به امروز، ۲۱ کشور در امریکای لاتین به امید ورود سرمایه‌گذاری چینی در این طرح شرکت کرده‌اند. پیرو آن تا اواسط سال ۲۰۲۱، بیش از ۱۱ موافقتنامه دوجانبه با حمایت از سرمایه‌گذاری و قراردادهای دوجانبه مختلف اقتصادی و تجاری در امریکای لاتین امضا شده است. (Jenkins, 2022; Szczudlik, 2018; Yunxia, 2022; Raza, & Grohs, 2022; Toman, 2019; Chen, 2021:123-124)

### ۳-۳-۵. چارچوب همکاری عملی ۱+۳+۶<sup>۱</sup>

پیرو سیاست‌های اعلامی در دستور کار ۲۰۳۰ برای توسعه پایدار، امریکای لاتین اولویت‌های خود را هنگام انجام مذاکرات با چین تغییر داده است. چین نیز تعهد خود را به پیگیری رشد اقتصادی با محوریت برابری، حفاظت از محیط‌زیست، چندجانبه‌گرایی، رفاه مشترک و اصول برنامه ۲۰۳۰ برای توسعه پایدار ابراز کرده است. در همین رابطه یکی از پروژه‌های جدیدی که چین برای کشورهای منطقه دارد، همکاری عملی ۱+۳+۶ است که به دنبال طرح همکاری کشورهای چین و امریکای لاتین و کشورهای حوزه کارائیب (۲۰۱۵-۲۰۱۹) با هدف دستیابی به رشد فراگیر و توسعه پایدار اشاره دارد. در اینجا «۳» به معنای سه موتوری است که به ترویج توسعه همه‌جانبه همکاری عملی چین و امریکای لاتین از طریق همکاری‌های تجاری، سرمایه‌گذاری و مالی اشاره دارد. «۶» به معنای شش حوزه‌ای است که به تقویت ارتباط صنعت چین و امریکای لاتین با موضوعات انرژی و منابع، ساخت‌وساز و زیرساخت‌ها، کشاورزی، تولید، نوآوری‌های علمی و فناوری و فناوری‌های اطلاعات به عنوان اولویت‌های همکاری اشاره دارد. در واقع در این چارچوب، زمینه‌ها و اولویت‌های همکاری از اقتصاد به مسائل اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و حتی امنیتی را دربرمی‌گیرد که در تلاش برای «ایجاد یک نقشه راه واحد بین چین، امریکای لاتین و کارائیب» است. (González, 2022:75; Raza & Grohs, 2022:11-12; Koleski, 2018:6)

### ۴-۳-۵. بانک توسعه جدید (NDB) و بانک سرمایه‌گذاری و زیرساخت آسیایی (AIIB)

تأسیس بانک توسعه جدید بریکس و تأثیری که بر تقویت چارچوب همکاری جنوب-جنوب دارد را می‌توان از دیگر عواملی دانست که می‌تواند تأثیر غیرمستقیم بر روابط کنونی چین و امریکای لاتین داشته باشد. راه‌اندازی این بانک گام مهمی در تلاش چین برای ایجاد یک سیستم مالی بین‌المللی است. چنانچه در هدف خود برای تأمین بودجه توسعه برای کشورهای عضو و سایر کشورهای در حال توسعه موفق شود، این پتانسیل را دارد که به یک تغییردهنده بازی در تحول نظم اقتصادی بین‌المللی تبدیل شود. این بانک و بانک سرمایه‌گذاری زیرساخت آسیا، در نهایت می‌تواند به افزایش نفوذ منطقه در سیستم جهانی و جذب بودجه بیشتر کمک کند. (Leiva Van de Maele, 2017:50 & Nugent & Campell, 2021) عدم نفوذ ایالات متحده در ساختارهای حاکمیتی این بانک و حضور و مشارکت فعال چین در ایجاد یک نهاد چندجانبه مشارکت آن را به

<sup>1</sup> - 1+3+6 Cooperation Framework

نقطه عطفی در زمینه سیستم مالی بین‌المللی تبدیل کرده است و قطعاً چین کشوری پیشرو در پشت پروژه آن خواهد بود.

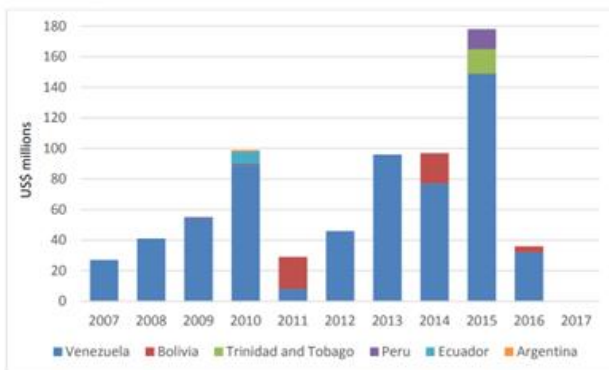
#### ۴-۵. پیشران‌های نظامی و امنیتی چین در امریکای لاتین

سیاست جامع چین در قبال منطقه عناصر مهمی از همکاری نظامی و امنیتی را دربرمی‌گیرد. استراتژی دولت چین در مورد امریکای لاتین، همانطور که در سند استراتژی دفاعی ۲۰۱۵ و موارد دیگر بیان شده است، بر اهمیت همکاری امنیتی و دفاعی تأکید کرده است. (Roy, 2022) علاوه بر این، سند سال ۲۰۱۶ منطقه به بعد امنیتی/نظامی به شیوه‌ای متفاوت‌تر از سند قبلی می‌پردازد. در این سند به صراحت نیاز به همکاری در امنیت سایبری و تمایل به گسترش همکاری عمل‌گرایانه در حوزه‌های کمک‌های بشردوستانه، مبارزه با تروریسم و سایر زمینه‌های امنیتی غیرستستی و افزایش همکاری در تجارت نظامی و فناوری نظامی اشاره شده است. (Leiva Van de Maele, 2017:49) فعالیت‌های نظامی و امنیتی چین با هم‌تایان خود در امریکای لاتین را می‌توان به سه دسته تبادلات نظامی، مانورها و عملیات نظامی مشترک دوجانبه و چندجانبه و کمک‌های بشردوستانه و فروش تسلیحات، از جمله انتقال فناوری و تسلیحات توسعه یافته مشترک تقسیم‌بندی کرد. (Roy, 2022: 9-20) & Koleski 2018:

اگرچه چین طی دهه گذشته صادرات محصولات نظامی خود به کشورهای امریکای لاتین را به میزان قابل توجهی افزایش داده است، اما همچنان در رابطه با سهم کل بازار تسلیحات منطقه یک بازیگر متوسط است. اکثر فروش نظامی چین در منطقه به اعضای ائتلاف<sup>۱</sup> ALBA (یک پیمان منطقه‌ای برای مقابله با هژمونی منطقه‌ای ایالات متحده) بوده است. بین سال‌های ۲۰۱۳ و ۲۰۱۷، چین از نظر کل صادرات تسلیحات به منطقه پس از ایالات متحده، روسیه، فرانسه و آلمان در رتبه پنجم قرار گرفت. احتمالاً به دنبال افزایش فروش تسلیحات در منطقه به منظور افزایش درآمدهای صادراتی و تعمیق نفوذ خود در منطقه است. (Koleski, 2018: 19-21)

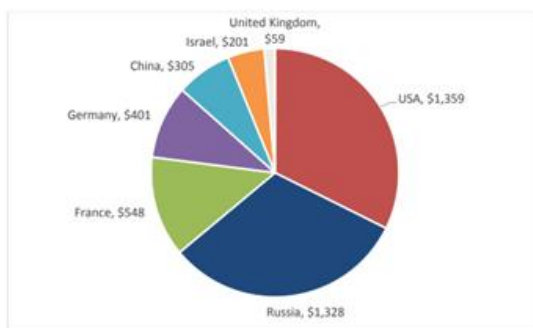
فروش تسلیحات چین به کشورهای امریکای لاتین و کارائیب، ۲۰۰۷-۲۰۱۷

<sup>1</sup> - Bolivarian Alliance for the Americas



Source: Stockholm International Peace Research Institute, "The SIPRI Arms Transfers Database."  
<http://www.sipri.org/databases/armstransfers>.

فروش تسلیحات چین به کشورهای امریکای لاتین و کارائیب در مقایسه با سایر صادرکنندگان برتر اسلحه، ۲۰۱۳-۲۰۱۷



Source: Stockholm International Peace Research Institute, "The SIPRI Arms Transfers Database."  
<http://www.sipri.org/databases/armstransfers>.

(Koleski, 2018: 19-21)

چین از طریق روابط امنیتی خود با کشورهای امریکای لاتین و کارائیب، ممکن است بتواند زمینه را برای تعمیق همکاری‌های آینده در منطقه‌ای با اهمیت استراتژیک خاص برای ایالات متحده فراهم کند. ایجاد ایستگاه فضایی چین در آرژانتین، ساخت ماهواره برای کشورهای منطقه از جمله برزیل، ونزوئلا و بولیوی و ساخت نیروگاه‌های هسته‌ای در منطقه نشان‌دهنده نقطه عطف بی‌سابقه‌ی حضور فیزیکی چین در منطقه است که امکان ایجاد دسترسی ارتش چین برای جاسوسی و تقویت اهرم آن نسبت به سایر کشورها را ایجاد می‌کند.



## ۶-۵. پیشران‌های فرهنگی، آموزشی چین در امریکای لاتین

چین نه تنها برای برقراری روابط اقتصادی و تجاری با امریکای لاتین و کارائیب تلاش کرده است بلکه تلاش زیادی برای تقویت و ارتقای مبادلات فرهنگی و دانشگاهی بین هر دو منطقه انجام داده است. به عنوان مثال، چین مؤسسات کنفوسیوس را برای ترویج فرهنگ خود در سطح جهانی تأسیس کرده است. علاوه بر این، بورسیه‌های دانشجویی و قراردادهای مبادله‌ای با دانشگاه‌ها در قلمرو چین ایجاد کرده است. در سال ۲۰۰۶ چین اولین مؤسسه کنفوسیوسی خود را در مکزیک تأسیس کرد. هم اکنون، در امریکای لاتین بیش از ۲۰ مؤسسه با هدف ترویج فرهنگ و زبان چینی از طریق شبکه فرهنگی گسترده‌ای که تشکیل داده‌اند وجود دارد. مطابق با برنامه همکاری مجمع CELAC-China برای دوره بین سال‌های ۲۰۱۵ تا ۲۰۱۹، چین ۶۰۰۰ بورسیه دولتی، ۶۰۰۰ مکان برای دریافت آموزش در چین و ۴۰۰ مکان برای مدرک کارشناسی ارشد حرفه‌ای به کشورهای عضو CELAC اعطا کرده است (González, 2022:78-79). با این حال، علیرغم افزایش تبادلات در زمینه‌های فرهنگی، آموزشی و علمی، با توجه به حجم، جمعیت و ظرفیت‌های منطقه تعداد آنها به‌طور کلی کم است.

علاوه بر این، چین تلاش کرده است تا چین مدرن واقعی را به طرق مختلف ارائه دهد. از این نظر، مؤسسه کنفوسیوس تنها راهی نیست که چین از طریق آن فرهنگ خود را ارتقا داده است. امروز رسانه‌های چینی در منطقه امریکای لاتین حضور دارد. در آگوست ۲۰۲۰، انجمن آنلاین همکاری رسانه‌ای شرکای امریکای لاتین بین گروه‌های رسانه‌ای چین و امریکای لاتین برگزار شد. در همین راستا آژانس شین هوا ۲۱ دفتر در ۱۹ کشور امریکای لاتین ایجاد کرده است. (González, 2022:78-79) از سوی دیگر، در سال‌های اخیر، چین سیاست‌های ادغام جدیدی را برای خارجی‌ها در زمینه‌های آموزش، سرمایه‌گذاری و نوآوری، بهداشت و فناوری اتخاذ کرده است که به دنبال ترویج و حمایت از استعدادهای خارجی در قلمرو چین است که بخشی از برنامه چهاردهم پنج‌ساله است.

همچنین رهبران چین به دنبال ایجاد نفوذ و ارتباط با کارمندان دولت لاتین و کارائیب، قانونگذاران و رهبران حزب از سراسر طیف‌های سیاسی و در سطوح مختلف دولت با هدف پرورش شبکه‌ای از مقامات دولتی در کشورهای امریکای لاتین و کارائیب هستند که الگوی اقتصادی چین را تحسین کنند و از اهداف سیاست چین حمایت کنند. به عنوان مثال، بین سال‌های ۲۰۰۲ تا

۲۰۱۷، نمایندگان بخش بین‌المللی ارتباطات CCP تقریباً ۳۰۰ جلسه با ۷۴ حزب مختلف سیاسی در ۲۶ از ۳۳ کشور امریکای لاتین و کارائیب برگزار کردند. در کنار فعالیت شرکت‌های خصوصی و انجمن‌ها، پکن از طریق برگزاری مهمانی، جلسات، سفر سعی می‌کند بسیاری از رهبران امریکای لاتین و کارائیب را متقاعد کند که همکاری با چین مؤثرترین مسیر برای رشد اقتصادی در کشورشان است. بین سال‌های ۲۰۱۵ و ۲۰۱۸، بیش از ۱۰۰۰ رهبر احزاب سیاسی از کشورهای امریکای لاتین و کشورهای کارائیب از چین بازدید کردند. (Annual Report to Congress, 2021:80)

### ۶. موازنه سازی در برابر ایالات متحده

همانگونه که در ابتدای این پژوهش ذکر شد، موازنه‌سازی در برابر ایالات متحده یکی از اهداف مهم پکن برای حضور در حوزه‌های نفوذ آمریکا بوده است. پکن در پاسخ به حضور گسترده واشنگتن در شرق و جنوب شرق آسیا، گسترش روابط خود را با دولت‌های امریکای لاتین که اکنون نه تنها در محور اقتصادی، بلکه با محور نظامی توسعه داده است.

جنوب‌شرق آسیا همانند منطقه امریکای لاتین به واسطه موقعیت ژئوپلیتیکی - استراتژیکی به ویژه در مسیرهای حمل و نقل دریایی تجاری، تنگه‌ها و بندرگاه‌های متعدد، تنوع زیست محیطی گسترده و به تبع آن منابع طبیعی و معدنی و سرانجام بازار مصرف گسترده، برای چین و قدرت‌های فرامنطقه‌ای دارای اهمیت ویژه و مهمی است. تا پیش از جنگ سرد، غالب مسائل در منطقه حول محدودسازی گسترش کمونیسم تعریف شده بود که با رهبری ایالات متحده رخ می‌داد. پایان جنگ سرد و رشد شتابان اقتصادی چین، اما لزوم حضور بیش از پیش ایالات متحده و موازنه‌سازی در برابر این قدرت نوظهور را دو چندان نمود. به ویژه اینکه چین جنوب‌شرق آسیا را در حوزه سیاسی - تمدنی خود تعریف می‌نماید و اکنون که جایگاه مؤثری در نظام بین‌الملل به خود اختصاص داده، حضور قدرت‌های فرامنطقه‌ای به ویژه ایالات متحده را نوعی تهدید تعریف می‌کند. به این ترتیب جنوب‌شرق آسیا منطقه‌ای جهت موازنه‌سازی اقتصادی، سیاسی و نظامی این دو قدرت علیه هم شده است.

از آنجا که سیاست خارجی چین بر مبنای رشد و توسعه اقتصادی و به دنبال آن سیاسی و نظامی سامان یافته است، این کشور به دنبال تعریف خود به عنوان قدرتی در حال پیشرفت، متعهد به قوانین و هنجارهای بین‌المللی و در نهایت یک رهبر با نفوذ در توسعه پایدار جهان است. (Fels, 2017)

749-767, 219-195) این مهم ذیل راهبرد توسعه مسالمت‌آمیز تعریف شده است؛ اما همواره نوعی برداشت تهدیدمحور از چین در دولت‌های جنوب‌شرق آسیا وجود داشته که باعث شده آنها در جستجوی قدرت‌های بیرونی (ایالات متحده) برای افزایش توان خود باشند. ایالات متحده نفوذ و قدرت روزافزون چین در شرق و جنوب‌شرق آسیا را تهدیدی علیه حاکمیت سنتی خود در این منطقه تعریف می‌کند و به دنبال این است که با حضور پررنگ تر و پر دامنه تر از قبل، از تبدیل شدن چین به یک هژمون منطقه‌ای در جنوب‌شرق آسیا جلوگیری کند (Ryan, 2018: 50-53, 57-59)؛ با گسترش روابط خود به خصوص در ابعاد اقتصادی و امنیتی با کشورهای جنوب‌شرق آسیا از میزان نفوذ و قدرت چین در این کشورها بکاهد؛ طی شراکت با چین به صورت مستقیم و غیرمستقیم در فعالیت‌های اقتصادی جنوب‌شرق آسیا بر میزان قدرت چانه زنی خود افزوده و اقدامات چین را زیر نظر بگیرد.

چین در مقابل سعی نموده با تقویت روابط پایدار با دولت‌های منطقه و خارج از منطقه ذیل چندجانبه‌گرایی با محوریت احترام به حاکمیت کشورها و تحکیم این روابط دوستانه؛ افزایش همکاری با کشورهای در حال توسعه و تقویت روابط با نهادها و سازمان‌های بین‌المللی، سیاست‌های مختلفی را برای از میان بردن «تصور تهدید» و «ایجاد موازنه» برابر ایالات متحده بکار گیرد.

البته یکن در ایجاد موازنه برابر ایالات متحده به خوبی دریافته است که تعقیب اهداف سیاسی امنیتی به صورت مستقیم و شتابان در وضعیت کنونی، که از یک سو توسعه اقتصادی چین در آمریکای لاتین وارد مرحله حساس و مهمی شده است، و از سوی دیگر آمریکا ابزارها و قدرت نفوذ موثرتری در آمریکای لاتین دارد؛ هزینه زیادی همراه خواهد داشت. از این رو، با اتخاذ رویکردی هوشمند و عمل‌گرایانه، سیاست چینی کردن آمریکای لاتین را دنبال می‌کند تا از طریق آن ضمن موازنه‌سازی و پاسخی به حضور آمریکا در شرق و جنوب شرق آسیا، حوزه قدرت ایالات متحده را به چالش بکشد. (Lam, 2006: 178-182)

بر همین اساس علاوه بر بحث در مورد پیامدهای حضور گسترده چین در آمریکای لاتین، بحث در مورد تبدیل شدن چین به یک رقیب جدی برای ایالات متحده برای حضور در منطقه در راستای سیاست موازنه‌سازی آن وجود دارد. اگرچه پیش از این، مقامات ایالات متحده علناً اعلام کرده‌اند که با نقش چین به عنوان یک بازیگر اقتصادی در منطقه مخالفت نمی‌کنند، نگرانی‌ها در مورد اینکه پیامدهای بلندمدت نقش گسترش یافته این کشور ممکن است بر خلاف منافع اصلی ایالات متحده

باشد، افزایش یافته است. البته چین هنوز به طور مستقیم با ایالات متحده در امریکای لاتین روبرو نشده است، اما "موازنه نرم" علیه ایالات متحده انجام داده است تا تسلط آن را بر منطقه تضعیف کند. (Chen, 2021:115-116)

در همین رابطه دولت‌های بوش و اوباما، در حالی که نگرانی‌ها در مورد نفوذ فزاینده چین را درک می‌کردند، عموماً مشارکت چین در منطقه را مثبت می‌نگریستند. هدف کلی سیاست ایالات متحده در آن زمان این بود که چین به شکلی شفاف و با پیروی از قوانین بین‌المللی و مطابق با استانداردهای محلی یا بین‌المللی محیط زیست به منطقه کمک کند. در نتیجه برای مدیریت پتانسیل سوءتفاهم‌ها و محاسبات نادرست در مورد رشد چین در منطقه از سال ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۵، ایالات متحده و چین سری گفتگوهای استراتژیک را برای بحث در مورد نگرانی‌های متقابل و بررسی راه‌های همکاری آغاز کردند. (Sullivan, & Lum, 2022) دیدگاه‌های منفی فزاینده ایالات متحده در مورد روابط چین و منطقه امریکای لاتین برای اولین بار در استراتژی امنیت ملی دولت ترامپ مشهود شد که عنوان کرد: "چین از طریق سرمایه‌گذاری، وام‌های دولتی و حمایت از دیکتاتوری‌ها به دنبال کشاندن منطقه به مدار خود است و به کشورهای منطقه در مورد تعامل با چین هشدار داد. (Roy, 2022; Sullivan, & Lum, 2022; Raza, & Grohs, 2022:11)

پس از ترامپ، سیاست خارجی بایدن در رابطه با امریکای لاتین همان ویژگی‌های دولت قبلی را حفظ کرد. در چارچوب رقابت استراتژیک با چین، بایدن و رهبران G-7 در ژوئن ۲۰۲۱ بر ابتکار برنامه «بازگشت به دنیای بهتر»<sup>۱</sup> را برای پیشبرد توسعه زیرساخت‌ها در کشورهای با درآمد کم و متوسط، از جمله در امریکای لاتین به عنوان جایگزینی برای طرح کمربند و جاده چین (BRI) مطرح کردند. دولت بایدن در دستورالعمل موقت استراتژی امنیت ملی خود که در مارس ۲۰۲۱ صادر شد، چین را به عنوان یک رقیب استراتژیک توصیف می‌کند و تأکید می‌کند که دولت برای تقویت و نوسازی اتحادها و مشارکت‌های ایالات متحده در سراسر جهان تلاش خواهد کرد. این دستورالعمل اشاره می‌کند که ایالات متحده زمانی که رفتار چین منافع و ارزش‌های ایالات متحده را تهدید کند، با چین مقابله خواهد کرد. (Sullivan, & Lum, 2022)

ایالات متحده در سال‌های اخیر، نگرانی‌هایی در مورد فعالیت‌های چین در منطقه امریکای لاتین ابراز کرده است. از حساس‌ترین مسائل روابط چین و امریکای لاتین که به رقابت ژئوپلیتیکی و

<sup>1</sup> – Build Back Better World (B3W)

ژئواکونومیکی بین ایالات متحده و چین شکل می‌دهند می‌توان به ابتکار کمربند و جاده، سیاست چین واحد، جنگ تجاری، بحران کووید ۱۹، فاصله گرفتن از الگوی وابستگی سیاسی و اقتصادی تاریخی منطقه، سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های استراتژیک، آسیب به ثبات منطقه با حمایت از برخی رهبران خاص در تضاد با سویه غالب لیبرال دموکراسی در منطقه و گسترش فساد، رشد تجارت و سرمایه‌گذاری فناوری چین به عنوان بخشی از جاده ابریشم دیجیتال، رقابت با شرکت‌های چینی در منطقه در طیف گسترده‌ای از بخش‌ها از جمله فناوری، مالی و کشاورزی و تأثیر بر زنجیره‌های تأمین، مخاطرات و نگرانی زیست‌محیطی و عدم اشاعه هسته‌ای و غیره... اشاره کرد. این نگرانی‌ها عمدتاً مبتنی بر این دیدگاه است که چین مطابق با استانداردهای سرمایه‌گذاری بین‌المللی عمل نمی‌کند و برخی معاملات چینی نتیجه تصمیم‌گیری‌های پشت درهای بسته است که نه تنها از سوی ایالات متحده، بلکه از سوی سازمان‌های غیردولتی امریکای لاتین و دیگر ناظران مورد انتقاد قرار گرفته است.

در مجموع در حال حاضر، حضور چین عموماً به منافع اصلی امنیت ملی ایالات متحده در منطقه امریکای لاتین آسیبی وارد نکرده است. با این حال، روندها نیازمند نظارت دقیق و گفتگوی مداوم برای جلوگیری از یک محیط خصمانه‌تر است. در حالت تعادل، چین و ایالات متحده به طور ضمنی ممکن است به شیوه‌ای رسیده باشند که در آن به رقابت برای تقویت نفوذ ادامه می‌دهند، اما از درگیری مستقیم با یکدیگر در منطقه اجتناب می‌کنند. در چنین محیطی، کشورهای امریکای لاتین به دنبال استفاده حداکثری از مزیت هر دو شریک مطابق با منافع خود خواهند بود.

### نتیجه‌گیری

منطقه امریکای لاتین به دلیل دارابودن مواد معدنی، انرژی‌های فسیلی و منابع طبیعی بدیع و گسترده، همواره مورد توجه قدرت‌های بزرگ بوده است. در برهه کنونی نیز چین یکی از این قدرت‌هاست که سعی در تعمیق روابط با دولت‌های این منطقه داشته است. پکن در روابط خارجی خود با دولت‌های امریکای لاتین، با ابزارها و خط‌مشی اقتصادی-تجاری شامل: سرمایه‌گذاری گسترده در صنایع مورد نیاز برای تکمیل زنجیره تولید خود، اعطای وام و خرید مواد اولیه، اهداف سیاسی مورد نظرش را پیش می‌برد. اهدافی همچون: ایجاد تعادل و موازنه در برابر قدرت ایالات متحده (در پاسخ به حضور آمریکا در شرق و جنوب شرق آسیا)، کسب و افزایش وجهه بین‌المللی

به عنوان یک قدرت بزرگ و تاثیرگذار در سطح جهانی، کاهش تصور تهدید از خود در سطح بین‌المللی و به ویژه در میان همسایگان، کسب حمایت دولت‌های این منطقه در سازمان‌ها و نهادهای مختلف منطقه‌ای و بین‌المللی، به رسمیت شناختن "یک چین واحد" و به حاشیه راندن روابط این کشورها با تایوان و در نهایت رقم زدن نظم مورد نظرش در نظام بین‌الملل که حول چند قطبی‌گرایی مفهوم یافته است.

نباید از یاد برد که چین و امریکای لاتین به دلیل اینکه هیچ درگیری و منازعه بنیادی و تاریخی با همدیگر نداشته‌اند، اقتصادهای مکملی با یکدیگر دارند، از سیطره، هژمونی و انحصار قدرت در روابط بین‌الملل بیزار هستند و از چند قطبی بودن در برابر تک قطبی‌گری استقبال می‌کنند، گذشته مشترکی در تجربه استعمار و امپریالیسم داشته‌اند، از خط مشی عدم مداخله و عمل‌گرایی به جای ایدئولوژی محوری در روابط خارجی حمایت می‌نمایند، قادر بوده‌اند با کمترین موانع روابط خود را گسترش و بسط دهند. البته موانعی نیز در روابط میان این دو وجود دارد؛ از زبان ارتباطی متفاوت گرفته تا بعد مسافت و به دنبال آن هزینه‌های بالای حمل و نقل و نفوذ اقتصادی، سیاسی و فرهنگی - اجتماعی ایالات متحده در کشورهای امریکای لاتین.

در مجموع اینکه، به واسطه ترکیبی از روابط و خط‌مشی‌های ذکر شده، پکن به بازیگر مهمی در امریکای لاتین تبدیل شده که این مهم در آینده ادامه یافته و عمیق‌تر خواهد شد؛ در نتیجه چین با گسترش همکاری‌های اقتصادی در امریکای لاتین که متناسب با بنیان‌های راهبردی این کشور تعریف شده از یک سو، و افزایش ضریب نفوذ سیاسی - فرهنگی در این منطقه، بیشینه سازی قدرت خود را مد نظر قرار داده است تا از این راه به موازنه سازی علیه ایالات متحده دست یافته و اهداف مختلفی که پیش‌تر ذکر شد را محقق نماید.

### کتابنامه

۱. الوند، مرضیه سادات، ابو محمد عسگرخانی (۱۳۹۶). "تحلیل قدرت نرم چین در امریکای لاتین"، *پژوهشنامه ایرانی سیاست بین‌الملل*، سال ششم، شماره (۱).
۲. ارغوانی پیرسلامی، فریبرز. اسماعیلی، مرتضی. بهزادی آقایی، ابوذر (۱۳۹۴). "امریکا و چالش قدرت در امریکای لاتین: مقایسه رویکرد ایران و چین"، *فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست*، سال چهارم، شماره ۱۵، شماره پیاپی ۴۵.

۳. سازمند، بهاره، ارغوانی پیرسلامی، فریبرز (۱۳۹۵). "چین و الزامات توسعه با امریکای لاتین"، *فصلنامه سیاست*، دوره ۴۶، شماره (۴).

۴. سریع القلم، محمود (۱۳۹۵). "نظام بین الملل و ژئوپلیتیک جدید خاورمیانه"، *پژوهشنامه علوم سیاسی*، سال دوازدهم، شماره (۱).

۵. شریعتی نیا محسن (۱۳۸۸). "سیاست خارجی چین: تعامل دیپلماسی و توسعه اقتصادی"، *پژوهشنامه سیاست خارجی*، شماره (۱۷).

۶. محمدی، سپیده، صالحی، مختار (۱۴۰۱). "اقتصاد سیاسی راه ابریشم جدید چین و وابستگی متقابل ایران"، *فصلنامه علمی مطالعات روابط بین الملل*، دوره ۱۵، شماره ۲، شماره پیاپی.

7. Annual Report to Congress (2021). *China's influence in Latin America and the Caribbean*. <https://www.uscc.gov/annual-report/2021-annual-report-congress>

8. Baviera, Aileen S. P. (2016), *China's Strategic Foreign Initiatives Under Xi Jinping An ASEAN Perspective*", China Quarterly of International Strategic Studies, Vol. 2, No. 1.

9. Bensahel Nora, Byman Daniel L (2004). *The future security environment in the Middle East: conflict, stability, and political change*. RAND.

10. Björn Hettne & Fredrik Söderbaum (2010). "Theorizing the Rise of Region's". *New Political Economy*. Vol. 5. No3.

11. Bliss Katherine e. (2009). "Chinese Soft Power and Its Implications for the United States". In McGiffert Carola: *Chinese Soft Power and Its Implications for the United States: Competition and Cooperation in the Developing World*. Center for Strategic and International Studies (Washington, D.C.)

12. Cesarin, Sergio M. (2021). *"Latin America-China Relations in the Times of Xi Jinping"*.

13. <https://latinoamerica21.com/en/latin-america-china-relations-in-the-times-of-xi-jinping/>

14. Chen, Chien-Kai (2021). *"China in Latin America Then and Now: A Systemic Constructivist Analysis of China's Foreign Policy"*, Journal of Current Chinese Affairs Volume 50, Issue 2.

15. Cox Michael (2018). "Axis of Opposition, China, Russia, and the West". In: *Toje Asle: Will China's Rise Be Peaceful? The Rise of a Great Power in Theory, History, Politics, and the Future*. Oxford.

16. Dellios Rosita and Ferguson James R (2013). *China's Quest for Global Order from Peaceful Rise to Harmonious World*. Lexington Books.

17. Fels Enrico (2017). *Shifting Power in Asia-Pacific? The Rise of China, Sino-US Competition and Regional Middle Power Allegiance*. Springer.
18. Gachúz Maya Juan Carlos, Paula María M, Romero Aguilar (2022). "New Patterns of Political and Economic Dependency the China-Latin America Relationship". In: Baisotti Pablo A: *Setbacks and Advances in the Modern Latin American Economy*. Routledge.
19. Juan Carlos, Gachúz Maya, Francisco Urdinez (2022). "*Geopolitics and Geoeconomics in the China-Latin American Relations in the Context of the US-China Trade War and the COVID-19 Pandemic*". *Journal of Current Chinese Affairs*. Volume 51, Issue 1.
20. González, Madelein Carolina González (2022). "*China's Socio-Economic Role in Latin America and the Future Ways of Cooperation*". *Sino-Iberoamerican Interaction*.
21. Herrera-Vinelli, Lorena (2022). "*Summit Diplomacy: China-CELAC Forum*, Dimensions of China's diplomacy in Latin America and the Caribbean, Josette Altmann-Borbón Sergio Rivero Soto Editors  
<https://data.worldbank.org/region/latin-america-and-caribbean?view=chart>
22. [https://www.theglobaleconomy.com/rankings/economic\\_decline\\_index/](https://www.theglobaleconomy.com/rankings/economic_decline_index/)
23. Ikenberry, John G. (2011). *American Foreign Policy*. Boston: Wadsworth.
24. Johnson James (2018). *The US-China Military and Defense Relationship during the Obama Presidency* (New Security Challenges). Palgrave Macmillan.
25. Kagan, Robert (2008). "The Return of History and the End of Dreams". PUBLISHED BY ALFRED A. KNOPF.
26. Kagan, Robert (2007). "*China's Global Rise: A Threat to the U.S. Balance of Power?*" <https://carnegieendowment.org/2007/10/23/china-s-global-rise-threat-to-u.s.-balance-of-power-event-1174>
27. Koleski, Katherine (2018). "*China's Engagement with Latin America and the Caribbean*". U.S.-China Economic and Security Review Commission.
28. Lam Willy. W (2006). *Chinese Politics in the Hu Jintao Era: New Leaders, New Challenges*. Routledge
29. Lanteigne, Marc (2009). *Chinese Foreign Policy: An Introduction. London and New York*. Routledge.
30. Lechín, Daniel Agramont (2021). "China's security and military cooperation in Latin America and the Caribbean: Implications for Europe", *Konrad-Adenauer-Stiftung Multinational Development Policy Dialogue Brussels* (KAS MDPD)
31. Leiva Van de Maele, Diego (2017). "*Xi Jinping and The Sino-Latin American Relations in the 21st Century: Facing the Beginning of a New Phase?*", *Journal of China and International Relations* VOL. 5, No. 1.



32. Leverett Lawrence F., Bader Jeffrey (2005). "Managing China-U.S. energy competition in the Middle East". *The Washington Quarterly*. VOL. NO1.
33. Lewis Colin M. (2022). "The Latin American Economies Since c. 1950: Ideas, Policy, and Structural Change". In: Baisotti Pablo A: Setbacks and Advances in the Modern Latin American Economy. Routledge.
34. Lum Thomas, Sullivan Mark P. (2022). "China's Engagement with Latin America and the Caribbean". *Congressional Research Service* (CRS).
35. Ciara Nugent & Charlie Campell (2021). "The U.S. and China Are Battling for Influence in Latin America, and the Pandemic Has Raised the Stakes". <https://time.com/5936037/us-china-latin-america-influence/>
36. Piccone, Ted (2016). "The geopolitics of China's rise in Latin America". CHAOS Foreign Policy. [https://www.brookings.edu/wp-content/uploads/2016/11/the-geopolitics-of-chinas-rise-in-latin-america\\_ted-piccone.pdf](https://www.brookings.edu/wp-content/uploads/2016/11/the-geopolitics-of-chinas-rise-in-latin-america_ted-piccone.pdf)
37. Raza, Werner & Grohs, Hannes, (2022) "Trade aspects of China's presence in Latin America and the Caribbean", Requested by the INTA committee
38. Rhys Jenkins (2021). *China's Belt and Road Initiative in Latin America: What has Changed?* Journal of Current Chinese Affairs. Volume 51, Issue 1.
39. Rosales, Osvaldo (2022), "La Emergencia de China y el Nuvo Orden Economico Global".
40. Roy, Diana (2022) "China's Growing Influence in Latin America". Foreign Affairs
41. Ryan Greg (2018). *US Foreign Policy towards China, Cuba and Iran: The Politics of Recognition*. Routledge.
42. Shambaugh David (2013). *China Goes Global: The Partial Power*. Oxford University Press.
43. Soliz Landivar Ana. S (2015). "Synchronization in International Relations: Triangular interactions between China, Latin American and the United States". *Revest Political, Globality Candidemia Statistical bulletin of China's outward foreign direct investment* (2010), <http://hzs.mofcom.gov.cn/accessory/201109/1316069658609.pdf>
44. Sullivan, Mark P.& Lum, Thomas (2022). *China's Engagement with Latin America and the Caribbean*. <https://crsreports.congress.gov/>
45. Szczudlik, Justyna (2018). "Towards a "New Era" in China's Great Power Diplomacy". Policy Paper, No. 1 (161). The Polish Institute of International Affairs (PISM).
46. Teng, Chung-Chian (2007), "Hegemony or Partnership: Chinas' Strategy and Diplomacy Toward Latin America". In Eisenman et al: *China and the Developing World*. New York and London: M.E. Sharpe.

47. Toman, Melissa (2019). "*China's global influence in 2025: Projected foreign policy strategies*". <https://commons.lib.jmu.edu/honors201019/638>
48. Zhou Jinghao (2010). *China's peaceful rise in a global context: a domestic aspect of China's road map to democratization*. Lexington Books.
49. Wu Wenyuan (2019). *Chinese Oil Enterprises in Latin America*. Palgrave Macmillan.
50. Yunxia, Yue (2022). "*Economic diplomacy and the belt and road initiative in Latin America*", *Dimensions of China's Diplomacy in Latin America and the Caribbean*, Josette Altmann-Borbón Sergio Rivero Soto Editors.